

نامه‌های دیپلماتیک ایران با همسایگان در دوره صفوی

(بررسی و تحلیل نسخه خطی مکاتیب مختلفه)

یاسر ملازئی^۱

❁ چکیده

مکاتیب مختلفه به مثابه یک اثر منشآت، مجموعه‌ای از نامه‌های دیپلماتیک ایران در عصر صفوی را با قلمروهای سیاسی مجاور آن در بر می‌گیرد. این مجموعه که توسط محمدصالح، برادرزاده اسکندربیک منشی در عصر فرمانروایی شاه عباس دوم گردآوری شده، ۱۴۹ نامه دیپلماتیک را شامل می‌شود که هر کدام از این نامه‌ها، ابعاد و زوایای گوناگونی از اصول حاکم بر مناسبات دیپلماتیک ایران عصر صفوی در سطح منطقه‌ای را نمایان می‌سازد. سؤال مقاله حاضر این است که دسته‌بندی نامه‌های دیپلماتیک موجود در مکاتیب مختلفه، چه ابعاد و زوایایی از اصول حاکم بر مناسبات دیپلماتیک منطقه‌ای ایران در دوره صفوی را نشان می‌دهد؟ یافته‌های پژوهش بر مبنای روش توصیفی-تحلیلی نشان می‌دهد که دسته‌بندی نامه‌های مکاتیب مختلفه، الگوهای دیپلماتیکی را نمایان می‌سازد که در قالب قلمروهای سیاسی کوچک و بزرگ، هویت فرستنده و گیرنده نامه‌ها و همچنین زبان رایج دیپلماتیک قابلیت طرح دارند. بر مبنای این الگوهای سه‌گانه در مکاتیب مختلفه، ضمن کسب آگاهی از تبادل نامه‌های مختلف بین صفویان با حلقه همسایگان شرقی و غربی، میزان اثرگذاری نیروهای سیاسی و حتی مذهبی در سیاست خارجی ایران عصر صفوی نیز نمایان می‌شود. از طرفی، در بستر تبادل این نامه‌ها، زبان فارسی به عنوان حلقه ارتباطی بین صفویان با همسایگانشان ایفای نقش می‌کرده است.

▪ واژگان کلیدی:

ایران، دوره صفوی، همسایگان، نامه‌های دیپلماتیک، نسخه خطی، مکاتیب مختلفه.

مقدمه

تحقیق در باره روابط خارجی ایران و مناسبات دیپلماتیک آن در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی در سده‌های دهم تا دوازدهم قمری/ شانزدهم تا هجدهم میلادی یکی از زمینه‌های پژوهشی و تحقیقاتی در حوزه کلان مطالعات صفویه‌شناسی است که توجه تعدادی از پژوهشگران را در قالب تحقیقات تک‌نگاری (غفاری‌فرد، ۱۳۷۶؛ فلسفی، ۱۳۱۶؛ صفت‌گل، ۱۴۰۰) و نیز تحقیقات عمومی‌تر (رمضانی، ۱۴۰۰؛ هوشنگ‌مهدوی، ۱۳۹۶؛ ریاض‌الاسلام، ۱۳۷۳) جلب کرده است. آغاز فصلی جدید در مناسبات منطقه‌ای ایران با همسایگان و همچنین دگرگونی‌های سیاسی و اقتصادی در سطح بین‌المللی و متأثر شدن ایران از آن، زمینه‌های کافی را برای این توجه فراهم ساخته است.^۱ برای شناخت این مناسبات دیپلماتیک، امروزه حجم گسترده‌ای از منابع تاریخی برجای مانده است که بخشی از آن شناسایی شده و بخشی دیگر، تاکنون ناشناخته مانده و ضرورت بررسی آن وجود دارد. این منابع تاریخی را می‌توان در دو دسته عمومی «منابع خارجی» و «منابع ایرانی» دسته‌بندی کرد. به علت گسترش مناسبات ایران و اروپا در دوره صفویه، تعدادی از سفرنامه‌نویسان، بازرگانان و سفیران اروپایی به ایران رفت و آمد کردند که نتیجه این وضعیت، تولید انبوهی از منابع و اسناد بود که برای شناخت ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایران دوره صفوی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. این منابع در زمره «منابع خارجی» قرار می‌گیرند. در تعدادی از این آثار از جمله سفرنامه‌ها، بخش‌هایی از روابط خارجی ایران با دولت‌های خارجی منعکس شده است.^۲

علاوه بر منابع خارجی، انواع گوناگون منابع ایرانی نیز، اطلاعات ارزشمندی را در باره مناسبات دیپلماتیک ایران دوره صفویه با دولت‌های خارجی منعکس می‌سازند.^۳ از متون تاریخ‌نگاری درباری گرفته که در آنها، مصداق‌ها و نمونه‌هایی در باره فرایند رفت و آمد ایلچیان ارائه شده (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۹۹: ۲۵۴؛ ترکمان، ۱۳۹۰: ۱۳۹۷/۲؛ جناب‌دی، ۱۳۸۷: ۸۷۵؛ خواجه‌گی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۹۰) تا آثاری هم‌چون *روضه‌الانوار عباسی* از ملا محمدباقر سبزواری که دستورالعمل‌ها و اصول دیپلماتیک حاکم بر فرایند انتخاب ایلچیان و سفرها و همچنین نحوه تعامل و برخورد با آنان را ذکر کرده است (سبزواری، ۱۳۷۷: ۸۲۳).

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر در باره چشم‌انداز سیاست خارجی ایران در دوره صفویه نک: صفت‌گل، ۱۴۰۰: ۷۵-۶۱.

۲. برای نمونه نک: کمپفر، ۱۳۵۰: ۲۷۱-۲۴۱؛ سانسون، ۱۳۴۶: ۲۰۱-۱۹۹، ۱۹۱-۱۹۳، ۹۱.

۳. برای کسب اطلاعات بیشتر در باره نگرش منابع اصلی دوره صفویه نسبت به مسائل مربوط به روابط خارجی نک: حاجیان‌پور و دریکوندی، ۱۳۹۸: ۲۴ - ۱.

۸۱۵). گزارش‌های سفرای دربار صفوی به خارج را نیز می‌توان گونه‌ای دیگر از منابع ایرانی مرتبط با روابط خارجی ایران برشمرد. اگر چه نمونه‌های این دست گزارش‌ها اندک است، اما سفینه سلیمانی نوشته محمدربیع بن ابراهیم فرستاده ایران به سیام^۱ در دوره شاه سلیمان را می‌توان نمونه درخشان این دسته از منابع دانست (محمدربیع بن ابراهیم، ۱۳۵۶).

افزون بر آن، گونه‌ای دیگر از منابع دوره صفوی که در آن ابعاد و زوایای گوناگونی از مناسبات دیپلماتیک ایران با دولت‌های خارجی شرح داده شده و در عین حال، کم‌تر در تحقیقات و پژوهش‌های تاریخی مورد توجه قرار گرفته‌اند، مجموعه‌های منشآت هستند که در برخی از آنان، نامه‌های رد و بدل شده بین ایران با دولت‌های خارجی جمع‌آوری شده است.^۲ نمونه‌های متعددی از این مجموعه‌های منشآت که حاوی نامه‌های دیپلماتیک‌اند، برجای مانده که تعدادی از آنها تصحیح شده و مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته‌اند^۳ و برخی دیگر، تاکنون در عرصه مطالعات روابط خارجی ایران در دوره صفویه ناشناخته مانده‌اند. این ناشناخته‌ماندن و عدم بازشناسی منسجم از منابع ایرانی در حوزه تاریخ روابط خارجی، باعث غلبه استناد به منابع خارجی و نادیده گرفتن منابع ایرانی در عرصه تحقیقات مرتبط با روابط خارجی شده است. در همین راستا، هدف مقاله پیش‌رو، معرفی و بررسی نمونه‌ای از این مجموعه‌های منشآت به نام مکاتیب مختلفه است که از دوره صفوی برجای مانده و تعدادی از نامه‌های رد و بدل شده بین دولت ایران در عصر صفویه و همسایگان آن را در بر می‌گیرد. سؤال مقاله این است که مکاتیب مختلفه به عنوان یک منبع ایرانی در حوزه روابط خارجی و مناسبات دیپلماتیک آن در دوره صفوی، چه ابعاد و زوایایی را از این مناسبات در سطح منطقه‌ای آشکار می‌سازد؟

با توجه به اینکه مجموعه‌های منشآت از غنی‌ترین و مهم‌ترین منابع در حوزه تحقیقات تاریخی به‌شمار می‌روند و مکاتیب مختلفه نیز با در برداشتن مجموعه‌ای از نامه‌های رد و بدل شده بین صفویان و همسایگان، منبعی ارزشمند برای تحقیقات تاریخ روابط خارجی ایران در دوره صفویه به‌شمار می‌آید، معرفی و بررسی این اثر می‌تواند برای تحقیقات و پژوهش‌های مرتبط با روابط خارجی و مناسبات دیپلماتیک ایران در این دوره مفید باشد. بر

۱. تایلند امروزی

۲. برای مشاهده نمونه‌ای از آن نک: نسخه خطی با عنوان «منشآت»، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره ۵۰۳۲. ایرج افشار این نسخه خطی را با عنوان «بیاضی از مکاتیب عصر صفوی» نام‌گذاری کرده است: افشار، ۱۳۵۷: ۳۳۶-۱۷۹. همچنین ایرج افشار در مقاله‌ای ابعاد و زوایای گوناگون این نسخه را مورد بررسی قرار داده است: افشار، ۱۳۸۷: ۷۴-۲۳.

۳. برای مشاهده نمونه‌ای از آن نک: جمعی از کاتبان و نویسندگان دوره صفوی، ۱۴۰۰.

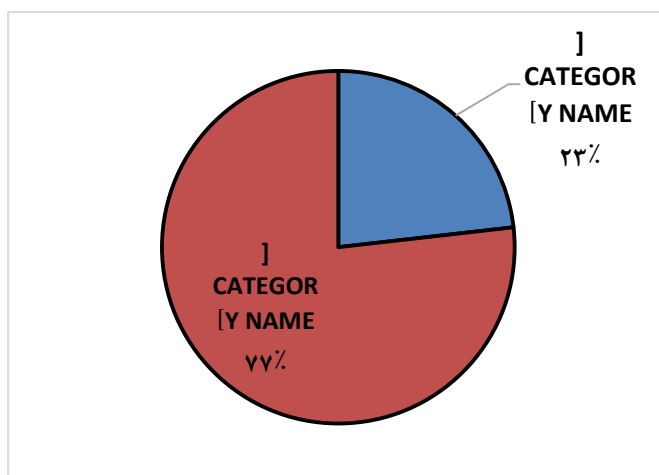
اساس جستجوی نویسنده به نظر می‌رسد که از این اثر، تاکنون یک نسخه با این نام شناسایی شده است که در کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی با شماره ۳۳۴۹ نگهداری می‌شود^۱ و در مقاله حاضر، همین نسخه مبنا و اساس کار قرار گرفته است. در باره پیشینه پژوهش این مقاله لازم به ذکر است که نسخه خطی مکاتیب مختلفه، تاکنون در پژوهش‌های متن‌شناسی و نسخه‌شناسی مورد ارزیابی و بررسی قرار نگرفته و از این جهت پژوهشی نو به‌شمار می‌رود. تنها برخی از نامه‌های موجود در این مجموعه به‌طور پراکنده در آثار عبدالحسین نوایی همچون شاه طهماسب صفوی: مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفصیلی (۱۳۵۰)^۲ بازتاب پیدا کرده است.

معرفی عمومی نسخه خطی مکاتیب مختلفه: موضوع، ساخت ظاهری، مؤلف و زمانه تألیف

مجموعه مکاتیب مختلفه شامل ۱۹۴ سند و نامه تاریخی است که از نظر موضوع، در دو دسته قابلیت تقسیم‌بندی دارند: دسته اول، مربوط به اسناد و نامه‌هایی است که جنبه دیپلماتیک داشته و بین صفویان و قلمروهای سیاسی مجاور آنها رد و بدل شده‌اند. ۱۴۹ سند و نامه مربوط به این دسته هستند و جنبه دیپلماتیک دارند. دسته دوم، مربوط به اسناد و نامه‌هایی است که از نظر موضوعی، مباحث متفرقه‌ای را در برمی‌گیرند و جنبه دیپلماتیک ندارند. این دسته از اسناد که ۴۵ سند را شامل می‌شود، از یک طرف نامه‌هایی را در بر می‌گیرد که در زمره مکاتبات دیپلماتیک نیستند و از جمله آنها می‌توان به نامه تیمور گورکانی به سید علی کیا والی گیلان (مکاتیب مختلفه، برگ ۲۶ ب) اشاره کرد و از طرف دیگر اسنادی با موضوعات پراکنده همچون شعر (مکاتیب مختلفه، برگ ۲۲۲ الف)، خواص داروها (مکاتیب مختلفه، برگ ۱۹۹ الف - ۲۰۱ ب) و داستان (مکاتیب مختلفه، برگ ۹۹ ب) را شامل می‌شود (شکل شماره ۱).

۱. در سامانه الکترونیکی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، عنوان نسخه به‌صورت «جنگ فرامین و منشآت» آمده است؛ اما مراجعه به صفحه اول فایل الکترونیکی نسخه نشان می‌دهد که نام اصلی آن، مکاتیب مختلفه است.

۲. یکی از این نمونه‌ها، نامه عیدالله خان ازبک به شاه طهماسب صفوی است که در نسخه خطی مکاتیب مختلفه با عنوان «مکتوب عبید خان ازبک که به اعلی‌حضرت جم‌جاه جنت‌مکانی شاه طهماسب - علیه‌الرحمه و الرضوان - نوشته بوده» (نسخه خطی مکاتیب مختلفه، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، برگ ۸۳ ب) درج گردیده است. برای مشاهده این نامه در اثر عبدالحسین نوایی، نک: (نوایی، ۱۳۵۰: ۳۴ - ۲۸).

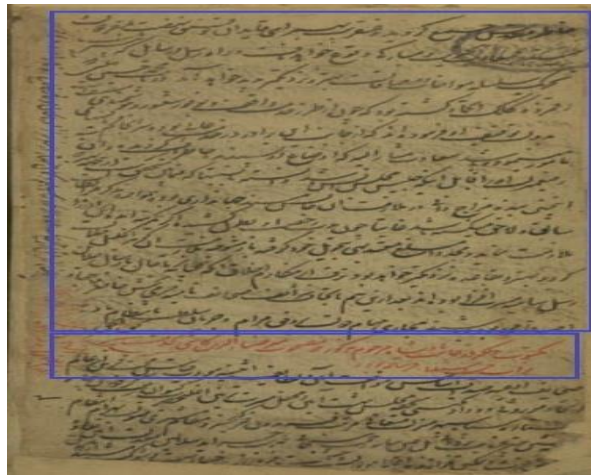


شکل شماره ۱. دسته‌بندی موضوعی اسناد و نامه‌های موجود در مکاتیب مختلفه

از نظر ساخت ظاهری نسخه، مکاتیب مختلفه شامل ۲۲۴ برگ [۴۴۷ صفحه] به خط نستعلیق است که عمدتاً با شیوه نوشتاری چلیپا^۱ نوشته شده است. هر صفحه شامل ۲۰ تا ۲۴ سطر و قطع نسخه بیاضی است و در الگوی صفحه‌گذاری، از روش رکابه‌نویسی استفاده شده است؛ به طوری که عمدتاً در برگ‌های فرد، رکابه‌نویسی دیده می‌شود. عنوان نامه‌ها بیشتر با شنگرف و متن اصلی با جوهر مشکی نوشته شده است.^۲ به نظر می‌رسد که بخش‌های ابتدایی نسخه که در آن ممکن است دیباچه یا نامه‌های دیگر درج شده باشد، از بین رفته است، به طوری که در نخستین صفحه برگ اول، مطالبی بدون عنوان ارائه شده که به نظر می‌رسد ادامه مطالب دیگری باشد. سپس در همین برگ، عنوان یک نامه به صورت «مکتوب دیگر از جانب پادشاه مرحوم مذکور مصحوب ضیاءالدین کاشی که به خدمت نواب جنت آشیانی فرستاده بود» قید شده است. تعابیر «مکتوب دیگر» و همچنین «پادشاه مرحوم مذکور» نشان می‌دهد که قبل از این نامه، نامه‌ای دیگر نیز وجود داشته است (تصویر شماره ۱).

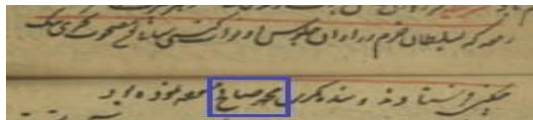
^۱. چلیپا در خوشنویسی یکی از قالب‌های شناخته‌شده برای نگارش است که در آن، دو یا چهار مصرع و حتی بیشتر را به شکل مؤرب می‌نویسند؛ به طوری که زاویه خط موربی که خط زمینه را تشکیل می‌دهد، نسبت به خط افق و عمود نیم‌ساز و زاویه نسبی آن ۴۵ درجه است: تیموری، ۱۳۹۸: ۶۲ - ۴۹.

^۲. فقط در تعداد محدودی از نامه‌ها، عنوان‌ها با جوهر مشکی به همراه خطی قرمز در زیر آن کتابت شده است.

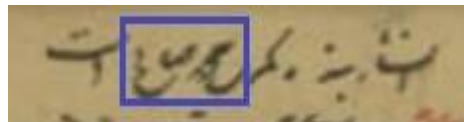


تصویر شماره ۱. برگ اول نسخه خطی مکاتیب مختلفه

در باره هویت گردآورنده مجموعه مکاتیب مختلفه، اطلاعات مستقیم و کاملی در نسخه ذکر نشده و صرفاً بر اساس برخی از اطلاعات پراکنده و غیرمستقیم ارائه شده در نسخه، می توان بخشی از هویت گردآورنده شامل: نام، نسبت خانوادگی، شغل و پیشه وی را شناسایی کرد. بر اساس عنوان تنها دو نمونه از نامه های موجود در بخش های میانی و پایانی نسخه که از طرف دولت ایران برای پادشاهی هند ارسال شده اند، نام گردآورنده مکاتیب مختلفه، محمد صالح بوده است، به طوری که وی هنگام ذکر عنوان این دو نامه، خود را نویسنده آن دو معرفی کرده است (تصویر شماره ۲ و ۳).

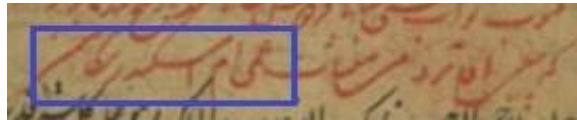


تصویر شماره ۲. شناسایی گردآورنده مکاتیب مختلفه
(مکاتیب مختلفه، برگ ۱۲۲ ب)

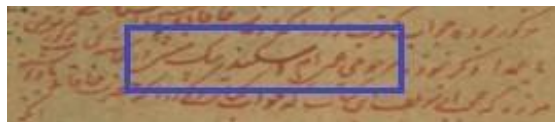


تصویر شماره ۳. شناسایی گردآورنده مکاتیب مختلفه
(مکاتیب مختلفه، برگ ۱۸۷ الف)

از نظر نسبتِ خانوادگی، محمدصالح گردآورنده مکاتیب مختلفه برادرزاده اسکندر بیگ، منشی دربار شاه عباس اول صفوی بوده است. این نسبت خانوادگی را می‌توان به طور غیرمستقیم از عنوان دست‌کم دو تا سه نمونه از نامه‌ها استنتاج کرد؛ به‌طوری که محمدصالح هنگام ذکر عنوان این نامه‌ها، مدعی شده که آنها را از منشآت اسکندر بیگ منشی گردآوری کرده و او را به‌عنوان عموی خود معرفی کرده است (تصویر شماره ۴ و ۵).

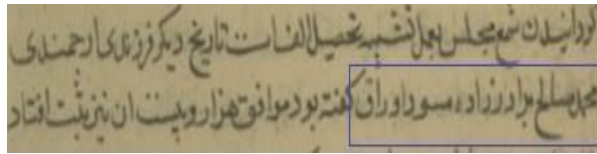


تصویر شماره ۴. شناسایی گردآورنده مکاتیب مختلفه
(مکاتیب مختلفه، برگ ۹۴ ب)

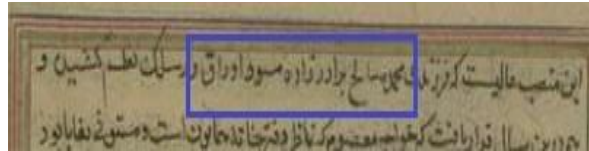


تصویر شماره ۵. شناسایی گردآورنده مکاتیب مختلفه
(مکاتیب مختلفه، برگ ۳۷)

این نسبتِ خانوادگی را خود اسکندر بیگ در *تاریخ عالم‌آرای عباسی* نیز تأیید کرده و در دو قسمت از اثرش، از شخصی به نام محمدصالح به عنوان برادرزاده خود یاد نموده است (تصویر شماره ۶ و ۷). در باره شغل و پیشه محمدصالح، به نظر می‌رسد که وی دست‌کم در دو حوزه فعالیت داشته است: اول شغل منشی‌گری و فعالیت در دیوان انشاء بوده است؛ زیرا همان‌طور که اشاره شد، او خود را به‌عنوان نویسنده نامه‌های پادشاه ایران به پادشاه هند معرفی کرده که این نکته حاکی از فعالیت وی در دیوان انشاء است. از طرفی دیگر، با توجه به فعالیت عمویش اسکندربیک در شغل منشی‌گری، به‌نظر می‌رسد که این پیشه به‌صورت خانوادگی به او منتقل شده است. علاوه بر منشی‌گری، محمدصالح در دوره‌ای از زندگانی‌اش [احتمالاً در دوره جوانی] در حوزه شعر و شاعری نیز فعالیت داشته است؛ زیرا این موضوع را اسکندربیک در *تاریخ عالم‌آرا* تأیید کرده است (تصویر شماره ۶ و ۷).

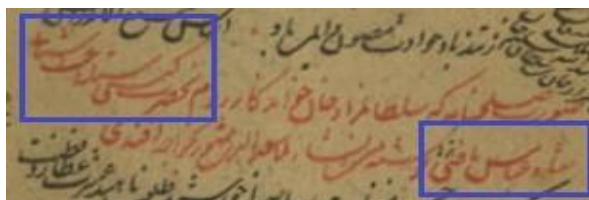


تصویر شماره ۶. شناسایی گردآورنده مکاتیب مختلفه
(تاریخ عالم آرای عباسی، برگ ۲۹۴ ب)

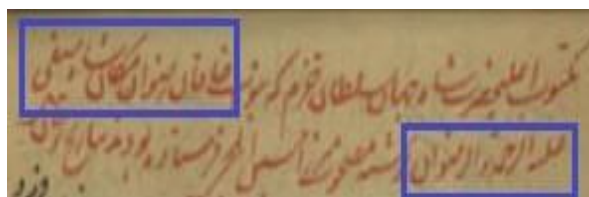


تصویر شماره ۷. شناسایی گردآورنده مکاتیب مختلفه
(تاریخ عالم آرای عباسی، برگ ۴۰۲ الف)

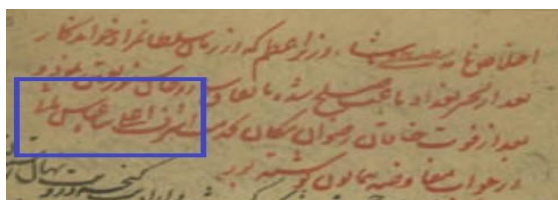
از نظر زمانه تألیف، گرچه محمدصالح به صورت مستقیم، سال تدوین و تنظیم مکاتیب مختلفه را ذکر نکرده، اما بر اساس برخی شواهد موجود در عنوان برخی از نامه‌ها، می‌توان دوره شاه عباس دوم صفوی و بازه زمانی ۱۰۷۷ تا ۱۰۵۹ ق. را زمان تألیف این مجموعه دانست. یکی از مهم‌ترین روش‌ها برای شناسایی دوره زمانی تألیف این مجموعه، توجه به عنوان نامه‌ها و ردیابی نام پادشاهان و همچنین سال‌شماری نامه‌های موجود در آن است. بر اساس ردیابی نام پادشاهان در عنوان نامه‌ها، محمدصالح هنگام ذکر نام شاه عباس اول (۱۰۳۸ - ۹۹۵ ق.)، از صفاتی همچون «شاه جنت‌مکان» و «شاه عباس ماضی» (تصویر شماره ۸) و هنگام برشمردن نام شاه صفی (۱۰۵۲ - ۱۰۳۸ ق.)، از صفاتی مثل «رضوان‌مکان» و «علیه الرحمه و الرضوان» (تصویر شماره ۹) استفاده کرده است. این بدین معناست که در زمان تألیف مکاتیب مختلفه، شاه عباس اول و شاه صفی از دنیا رفته‌اند؛ در حالی که هنگام ذکر نام شاه عباس دوم (۱۰۷۷ - ۱۰۵۲ ق.) از صفاتی که حاکی از مرگ پادشاه باشد، استفاده نکرده است (تصویر شماره ۱۰).



تصویر شماره ۸. نام شاه عباس اول در مکاتیب مختلفه
(مکاتیب مختلفه، برگ ۶۷ ب)



تصویر شماره ۹. نام شاه صفی در مکاتیب مختلفه
(مکاتیب مختلفه، برگ ۱۱۶ ب)



تصویر شماره ۱۰. نام شاه عباس دوم در مکاتیب مختلفه
(مکاتیب مختلفه، برگ ۸ الف)

افزون بر نام پادشاهان، آنچه برای شناسایی زمانه تألیف مکاتیب مختلفه می‌تواند راهگشا باشد، توجه به سال‌شماری برخی از نامه‌ها است که البته محمدصالح فقط چند نمونه نامه را سال‌شماری کرده است. برای مثال، موضوع یکی از نامه‌ها، فتح‌نامه‌ای مربوط به سال ۱۰۵۹ ق. است که به ماجرای استرداد قندهار از طرف نیروهای ایرانی در دوره شاه عباس دوم مربوط می‌شود^۱ (مکاتیب مختلفه، برگ ۳۷ ب). از آنجا که این سند مربوط به سال ۱۰۵۹ ق. است، مشخص می‌شود که مکاتیب مختلفه تا قبل از این سال تألیف نشده است. بر همین مبنا و

۱. ولی‌قلی خان شاملو مورخ معاصر با شاه عباس دوم صفوی که نسبت به تحولات شرق ایران درک و آگاهی مناسبی داشته، در اثر تألیفی خود به نام *قصص الخاقانی* به تفصیل ماجرای این منازعه را در ذیل حوادث ۱۰۵۹ ق. گزارش داده است (شاملو، ۱۴۰۰: ۱/ ۵۵۹ - ۵۵۱).

همچنین از آنجا که نامه‌های مربوط به دوره شاه سلیمان (۱۱۰۵-۱۰۷۷ ق.) یعنی پادشاهی که بعد از شاه عباس دوم به سلطنت رسید، در این مجموعه دیده نمی‌شود، می‌توان نتیجه گرفت که مجموعه مکاتیب مختلفه در دوره شاه عباس دوم توسط محمدصالح به عنوان یکی از اعضای دیوان انشاء، تألیف و گردآوری شده است.

منابع مورد استفاده محمدصالح برای تألیف مکاتیب مختلفه

مکاتیب مختلفه از جمله آثاری است که نامه‌های مندرج در آن، اصل نامه‌ها نیستند، بلکه سواد و رونوشت نامه‌ها به‌شمار می‌روند. بر همین اساس، محمدصالح گردآورنده مکاتیب مختلفه برای تألیف این مجموعه و جمع‌آوری نامه‌های دیپلماتیک ایران با همسایگان، نامه‌ها را از منابع متعدد و مختلفی استخراج کرده است. بر مبنای عنوان نامه‌ها و همچنین با در نظر گرفتن متن آن‌ها به نظر می‌رسد که او برای تدوین مکاتیب مختلفه دست‌کم از دو گونه منبع استفاده کرده است: دسته اول متون تاریخ‌نگارانه دوره صفوی بوده است. برخی از مورخان هنگام گزارش حوادث مربوط به روابط صفویان با همسایگان، گاهی سواد و رونوشت نامه‌هایی را که بین دو طرف رد و بدل می‌شد گزارش داده‌اند.^۱ توجه برخی از مورخان صفوی به ضبط نامه‌ها در آثار تألیفی خود و به عبارتی بازتاب این نامه‌ها در متون تاریخ‌نگاری، این امکان را برای محمدصالح فراهم کرد تا برای تألیف اثر خود به متون مورخان رجوع کند. مقابله و مقایسه دقیق برخی از نامه‌های درج‌شده در مکاتیب مختلفه با نامه‌هایی که در متون تاریخ‌نگاری بازتاب پیدا کرده، این موضوع را تأیید می‌کند.

برای نمونه در مجموعه مکاتیب مختلفه نامه‌ای ضبط گردیده که از طرف شاه اسماعیل اول برای شیبک خان ازبک ارسال شده است. محمدصالح بعد از آوردن این نامه در مکاتیب مختلفه اشاره می‌کند که «مکتوب مذکور از تاریخ/حسن/تواریخ نقل شد» (مکاتیب مختلفه، برگ ۳۷ ب). در همین راستا، مراجعه به کتاب/حسن/تواریخ روملو و مقابله و مقایسه نامه آن با آنچه که در مکاتیب مختلفه آمده، نشان می‌دهد که این نامه را گردآورنده مکاتیب مختلفه عیناً (حتی در جمله‌بندی‌ها و کلمات) از/حسن/تواریخ اقتباس کرده است. حسن روملو هنگام اشاره به حوادث مربوط به روابط شاه اسماعیل اول و شیبک خان، بعد از ذکر این عبارت: «... و کتابت بی‌ادبانه که سوادش این است ارسال شد: ...» (روملو، ۱۳۸۴: ۲/

۱. برای نمونه نک: شاملو، ۱۴۰۰: ۹۳۵-۹۲۷، ۷۲۳-۷۲۱؛ افوشته‌ای‌نطنزی، ۱۳۹۹: ۴۱۷-۴۱۱، ۳۲۹-۳۲۸.

(۱۰۴۳) نامه را نقل کرده است^۱ (روملو، ۱۳۸۴: ۲/ ۱۰۴۵ - ۱۰۴۳). در نمونه‌ای دیگر، محمدصالح نامه‌ای را با عنوان «کتابتی که از جانب اشرف به والی هندوستان نوشته شده از چمن بسطام مصحوب قلی بیک ولد مقصود بیگ ناظر فرستاده‌اند» (مکاتیب مختلفه، برگ ۵ الف - برگ ۷ الف) ذکر کرده که به نامه شاه عباس دوم خطاب به پادشاه هندوستان در سال ۱۰۵۷ ق. اشاره دارد. عین همین نامه توسط یکی از مورخان معاصر با محمدصالح، یعنی ولی‌قلی خان شاملو از مورخان دوره شاه عباس دوم در کتاب *قصص الخاقانی* گزارش شده است (شاملو، ۱۴۰۰: ۱/ ۳۸۲ - ۳۷۷).

افزون بر متون مورخانه، گونه دیگر منابع تاریخی که محمدصالح در تدوین مکاتیب مختلفه از آن بهره برده، مجموعه‌های منشآت بوده است. محمدصالح هنگام ذکر عنوان برخی از نامه‌ها مشخص کرده است که آن را از چه مجموعه منشآت گردآوری کرده است. با این حال، فقط پنج نامه از این ویژگی برخوردارند (جدول شماره ۱). به نظر می‌رسد که محمدصالح برای تدوین مجموعه مکاتیب مختلفه به گونه‌های مختلف و متنوعی از متون زمانه خویش دسترسی داشته و از آنها برای تألیف این مجموعه استفاده کرده است.

جدول شماره ۱. نامه‌های مستخرج از مجموعه‌های منشآت در مکاتیب مختلفه	
تعداد	عنوان نامه
۱	کتابتی که از جانب نواب گیتی‌ستانی فردوس‌مکانی به خواجه افندی مفتی روم نوشته <u>من منشآت مرحوم نصیرا همدانی</u> ^۲
۲	جواب کتابت [ناخوانا] از جانب نواب گیتی‌ستان فردوس‌مکانی مسوده‌شده میر محمد معصوم بکری بُرد. <u>من منشآت مرحوم مغفور اسکندر بیک منشی غفرالله</u> ^۳

۱. به نظر می‌رسد که حسن روملو خود نیز این نامه را از آثار پیشین اقتباس کرده است، به‌طوری‌که مؤلف *جهانگشای خاقان* از متون مربوط به عصر شاه اسماعیل اول نیز سواد همین نامه را عیناً گزارش داده است (مؤلف ناشناس، ۱۴۰۰: ۳۱۱ - ۳۱۰).

۲. نصیرا همدانی از شاعران قرن یازدهم هجری قمری بود که نصرآبادی در تذکره خود در باره مهارت‌ها و تخصص‌های او چنین نوشته است: «از اکثر فنون بهره‌ور و دوحه طبعش به اقسام علوم خصوصاً ریاضی صاحب ثمر، در ترتیب انشاء سخنانش دلنشین و در تقریر شعر معانی‌ش رنگین» (نصرآبادی، ۱۳۱۷: ۱۶۷ - ۱۶۶). وی در سال ۱۰۳۰ ق. در عصر فرمانروایی شاه عباس اول از دنیا رفت (نصرآبادی، ۱۳۱۷: ۱۶۷). نصیرا همدانی در زمانه خود ضمن تألیف آثار فراوانی در حوزه فلسفه، منطق و شعر، همچنین در تألیف و تدوین مجموعه‌های منشآت نیز فعالیت داشته است. بر اساس کتاب *فهرست نسخه‌های خطی ایران (فنخا)*، از منشآت نصیرا همدانی، ۲۲ نسخه در مراکز علمی ایران نگهداری می‌شود (درایتی، ۱۳۹۲: ۲۹/ ۸۹۱-۸۹۲).

۳. اسکندر بیگ منشی عموی محمدصالح ضمن تألیف *تاریخ عالم‌رای عباسی* که در حوزه تاریخ‌نگاری دوره صفوی از اهمیتی ویژه برخوردار است، آثار دیگری را نیز تألیف کرد که یکی از آنها مجموعه منشآت است که به نام «ترسل من منشآت خواجه اسکندر بیک منشی» شناخته و در کتابخانه لیدن هلند نگهداری می‌شود (رازنهان، ۱۳۸۰: ۴۰).

۳	کتابت سلطان محمد خواندگار روم که به نواب گیتی‌ستانی فردوس‌مکانی شاه عباس ماضی علیه‌الرحمه و الغفران <u>من منشآت اوقچی‌زاده</u>
۴	مکتوب نواب گیتی‌ستانی فردوس‌مکانی که بعد از فتح قندهار به خواندگار روم که [ناخوانا] <u>من منشآت عمی‌ام اسکندر منشی</u>
۵	کتابت نواب گیتی‌ستانی فردوس‌مکانی به پادشاه مرحوم شاه سلیم که بعد از فتح قندهار نوشته بود <u>من منشآت مرحوم عمی‌ام</u>

دسته‌بندی نامه‌های دیپلماتیک در مکاتیب مختلفه

چنان‌که گذشت، مجموعه مکاتیب مختلفه شامل ۱۹۴ سند است که در بین آنها، تعداد ۱۴۹ نامه مضمون دیپلماتیک داشته و بین صفویان با قلمروهای سیاسی مجاور آنها رد و بدل شده است. این بخش از نامه‌ها که بیشترین حجم مجموعه مکاتیب مختلفه را شامل می‌شوند، در دسته‌بندی‌های مختلفی قرار می‌گیرند. دسته‌بندی نامه‌های موجود در مکاتیب مختلفه از آنجایی اهمیت دارد که امکان طرح و استخراج الگوهای^۱ مختلف حاکم بر اصول مناسبات دیپلماتیک ایران صفوی در سطح منطقه‌ای را نمایان می‌سازد. از همین رو، نامه‌های این مجموعه را می‌توان در قالب: قلمروهای سرزمینی، هویت فرستنده و گیرنده و همچنین زبان رایج دیپلماتیک دسته‌بندی کرده و الگوهایی را به شرح ذیل از آن استخراج کرد.

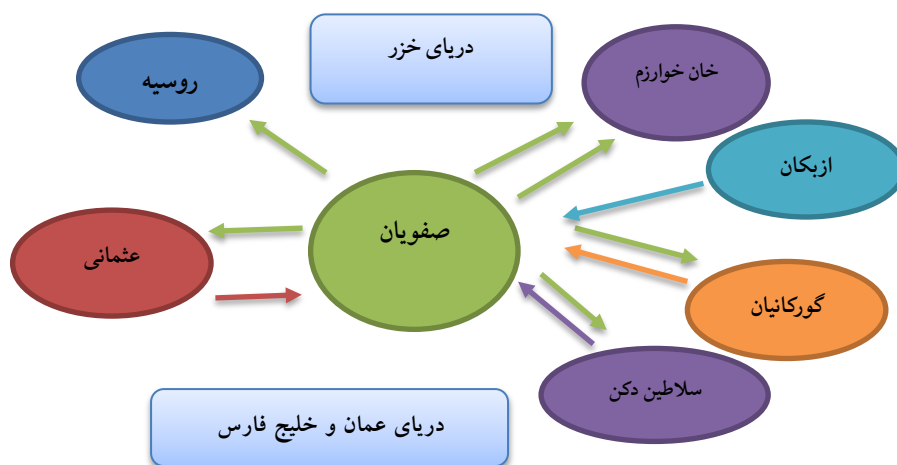
الف. دسته‌بندی نامه‌ها بر مبنای قلمروهای سیاسی

طراحی یک الگوی منطقه‌ای

همزمان با فرمانروایی صفویان در ایران طی سده‌های دهم تا دوازدهم هجری، مناسبات منطقه‌ای ایران با همسایگان وارد مرحله تازه‌ای شد. گرچه دولت صفوی در غرب با عثمانی روبرو بود که از عمر سیاسی آن بیش از دویست سال می‌گذشت، اما در شرق با دو قلمرو سیاسی نوپا، یعنی خانات ازبک در ماوراءالنهر و گورکانیان در هند رویاروی شد. در کنار این سه واحد سیاسی بزرگ، صفویان با واحدهای سیاسی کوچک‌تری نیز همسایه بودند که از آن جمله می‌توان به خان خوارزم در شمال شرق و سلاطین دکن در جنوب شرق اشاره کرد. علاوه بر این همسایه‌های بزرگ و کوچک، در دوران فرمانروایی صفویان همسایه‌ای دیگر این‌بار در شمال غرب و در مجاورت دریای خزر، به نام روسیه در حال تکاپو بود؛ قلمرویی که در

۱. مفهوم «الگو» به نظم و ترتیب عناصر یا واحدها که به واسطه تکرار، قابلیت تشخیص و شناسایی دارند، اطلاق می‌شود (استنفورد، ۱۴۰۰: ۱۳۹).

متون ایرانی صفوی از آن با عنوان مملکت یا پادشاهی اروس یاد می‌شد (قمی، ۱۳۸۳: ۱/ ۵۶۸؛ وحیدقزوینی، ۱۳۸۳: ۱۳۰؛ نصیری، ۱۳۷۳: ۱۶۳؛ ستوده، ۱۳۸۳: ۸۲). عنوان پادشاه اروس را محمدصالح نیز در مکاتیب مختلفه به کار برده است (مکاتیب مختلفه، برگ ۲۰۵ ب). داشتن مرز مشترک و حسّ متقابل هم‌جواری، به‌زودی امکانِ مراوده‌های سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی بین صفویان با قلمروهای مجاور را فراهم کرد. در برقراری چنین مراوداتی، استفاده از ابزار نامه برای انتقال و انعکاسِ اهداف و منافع سیاسی، نظامی و اقتصادی خود به دیگری از اهمیتی ویژه برخوردار بود^۱. از این منظر و بر اساس قلمروهای سیاسی مجاور، مکاتیب مختلفه شامل نامه‌هایی است که از طریق ارزیابی آنها با در نظر گرفتن روندِ ارسال و دریافتشان می‌توان یک الگوی منطقه‌ای بر مبنای قلمروهای سیاسی طراحی کرد. بر پایه این الگوی منطقه‌ای، مکاتیب مختلفه شامل نامه‌های دیپلماتیکی است که بین صفویان با شش قلمرو سیاسی کوچک و بزرگ مجاور یعنی گورکانی در هند، ازبکان در ماوراءالنهر، عثمانی و روسیه در غرب و شمال غرب، خان خوارزم در شرق دریای خزر و همچنین سلاطین دکن در جنوب هند رد و بدل شده است (شکل شماره ۲). از طرفی، این الگو نشان می‌دهد که صفویان با چهار قلمرو گورکانی، ازبک، عثمانی و سلاطین دکن نامه‌های ارسالی و دریافتی داشته، اما با دو قلمرو سیاسی خان خوارزم و روسیه تنها نامه‌های ارسالی داشته‌اند (شکل شماره ۲).



شکل شماره ۲. الگوی منطقه‌ای نامه‌های موجود در مکاتیب مختلفه بر مبنای قلمروهای سیاسی

^۱. برای کسب اطلاعات بیشتر در باره ماهیت نامه‌های دیپلماتیک در ایران عصر صفوی نک: چلونگر و کشاورز، ۱۴۰۰: ۴۲۶-۴۲۵؛ همچنین برای کسب اطلاعات در باره اهمیت و ضرورت مکاتبات در مناسبات خارجی ایران عصر صفوی نک: متولی، ۱۳۹۷: ۱۴۵-۹۷.

محمدصالح گردآورنده مکاتیب مختلفه برای جمع‌آوری نامه‌های قلمروهای سیاسی مختلف و ضبط آنها در این مجموعه از یک ترکیب و ترتیب پراکنده استفاده کرده است؛ بدین معنی که نامه‌های هر قلمرو را به ترتیب ذکر نکرده، بلکه برای نمونه، بخشی از نامه‌های رد و بدل شده بین صفویان و گورکانیان هند در بخش‌های ابتدایی نسخه و بخشی دیگر در انتهای نسخه ضبط شده‌اند. این ترکیب پراکنده در باره ترتیب کروئولوژیک نامه‌ها نیز صدق می‌کند. اگر چه محمدصالح سال نگارش بیشتر نامه‌ها را ذکر نکرده؛ اما بر اساس نام پادشاهان می‌توان این ترکیب پراکنده سال‌شمارانه را نیز استنباط کرد. نامه‌های متبادله بین صفویان با شش قلمرو سیاسی کوچک و بزرگ همسایه را می‌توان از بیشترین به کمترین تعداد نامه، بر اساس جدول زیر ارزیابی کرد:

جدول شماره ۲. تعداد نامه‌های متبادله بین صفویان و قلمروهای سیاسی مجاور		
شماره	قلمروهای سیاسی	تعداد نامه‌ها
۱	صفوی - عثمانی	۹۰
۲	صفوی - گورکانی	۴۲
۳	صفوی - ازبک	۱۱
۴	صفوی - خان خوارزم	۲
۵	صفوی - روسی (پادشاهی اروس)	۲
۶	صفوی - سلاطین دکن	۲
مجموع نامه‌ها		۱۴۹

ب. دسته‌بندی نامه‌ها بر اساس هویت فرستنده و گیرنده

از پادشاهان تا افراد بلندپایه سیاسی و مذهبی

یکی دیگر از قالب‌های دسته‌بندی نامه‌های گردآوری‌شده در مجموعه مکاتیب مختلفه، ارزیابی هویت فرستنده و گیرنده نامه‌هاست. توجه بدین موضوع، این مسئله اساسی را نمایان می‌سازد که در سیاست خارجی ایران در دوره صفوی، کدام گروه‌ها و نیروهای سیاسی و دیوانی نقش فعالی را ایفاء می‌کردند. مهم‌ترین روش برای ردیابی هویت فرستنده و گیرنده نامه‌ها در مکاتیب مختلفه، توجه به عنوان نامه‌هاست که محمدصالح، تقریباً در همه نامه‌ها هویت آن دو را نمایان ساخته است. بر اساس نسخه خطی مکاتیب مختلفه می‌توان هویت

فرستنده و گیرنده را در چهار الگو طراحی کرد. الگوی اول ناظر بر رد و بدل شدن نامه‌ها در سطح پادشاهان است. بر مبنای این الگو که در نامه‌های موجود در مکاتیب مختلفه رایج‌ترین است، فرستنده نامه پادشاه یک قلمروی سیاسی بوده که آن را برای پادشاه قلمرو مجاور ارسال کرده است (جدول شماره ۳؛ الگوی شماره ۱). الگوی دوم ناظر بر ارسال نامه از طرف پادشاه یک قلمرو برای یک فرد بلندپایه سیاسی و مذهبی در قلمرو مجاور است؛ این فرد بلندپایه می‌توانست شخصیت دیوانی مثل وزیراعظم یا فرد بلندپایه مذهبی باشد (جدول شماره ۳؛ الگوی شماره ۲). الگوی سوم برعکس الگوی پیشین است و نامه‌هایی را شامل می‌شود که از طرف افراد بلندپایه سیاسی یا مذهبی یک قلمرو به پادشاهی در قلمرو مجاور ارسال گردیده‌اند (جدول شماره ۳؛ الگوی شماره ۳). سرانجام، الگوی چهارم مربوط به نامه‌هایی است که نه بین پادشاهان، بلکه در سطح افراد بلندپایه سیاسی و دیوانی دو قلمرو رد و بدل می‌شدند (جدول شماره ۳؛ الگوی شماره ۴).

جدول شماره ۳. الگوهای رایج در هویت فرستنده و گیرنده نامه‌ها			
الگو	فرستنده	گیرنده	تعداد نامه‌ها
۱	از پادشاه	به پادشاه	۶۶
نمونه نامه			
«کتابت پادشاه مغفور محمداکبر پادشاه که به نواب گیتی‌ستانی فردوس‌مکانی شاه عباس ماضی نوشته و محمد معصوم خان بکری آورده بود» (مکاتیب مختلفه، برگ ۳۱ الف)			
۲	از پادشاه	به افراد بلندپایه سیاسی یا مذهبی	۲۹
نمونه نامه			
«ملطفه نواب گیتی‌ستانی فردوس‌مکانی شاه عباس ماضی به مفتی روم نوشته‌اند» (مکاتیب مختلفه، برگ ۹۷ ب)			
۳	از افراد بلندپایه سیاسی یا مذهبی	به پادشاه	۳۶
نمونه نامه			
«مکتوب نصوح پاشا به خدمت نواب گیتی‌ستانی فردوس‌مکانی» (مکاتیب مختلفه، برگ ۱۴۷ ب)			
۴	از افراد بلندپایه سیاسی یا مذهبی	به افراد بلندپایه سیاسی یا مذهبی	۱۸

نمونه نامه	
« کتابت محمدپاشا وزیراعظم سلطان سلیمان خواندگار روم به حضرت معصوم بیگ صفوی وکیل السلطنه شاه جنت مکان » است (مکاتیب مختلفه، برگ ۷۹ ب)	
مجموع نامه‌ها	۱۴۹

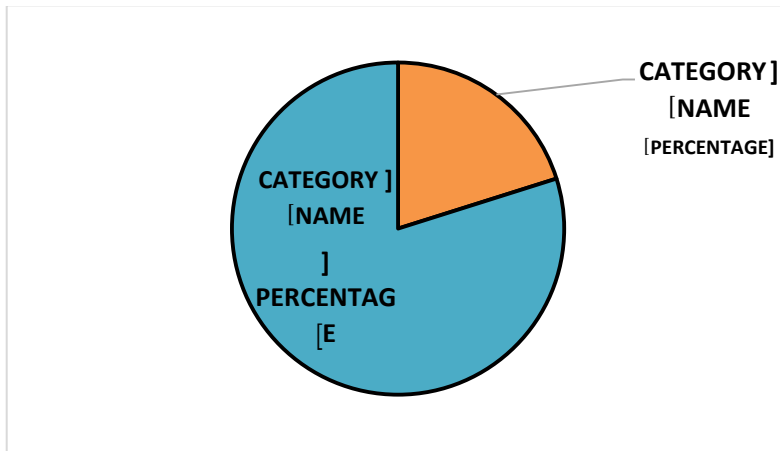
بر اساس الگوهای برشمرده در نامه‌های موجود در مکاتیب مختلفه و همچنین با استناد به داده‌های منابع دوره صفوی، نهاد پادشاهی کلیدی‌ترین نهاد و هسته تصمیم‌گیری‌های مرتبط با مسائل روابط خارجی و مناسبات دیپلماتیک بوده است. با توجه به بافت نظام‌های سیاسی ایران تا قبل از دوره معاصر و همچنین عدم تشکیل نهاد مستقل مرتبط با وزارت امور خارجه تا قبل از دوره قاجار، نهاد پادشاهی کانون اصلی تصمیم‌گیری‌های مرتبط با مسائل دیپلماتیک بود. در دوره صفوی از آنجا که نهاد اداری ویژه مرتبط با مناسبات خارجی وجود نداشت (فلور، ۱۳۸۴: ۹۰)، پادشاه نقش کلیدی داشت و بنیاد سیاست خارجی ایران و مناسبات دیپلماتیک آن با دولت‌های خارجی را تعریف و تبیین می‌کرد. همچنین الگوهای شماره ۱ و ۲ و ۳ در جدول شماره ۳ به‌خوبی نقش نهاد پادشاهی در مناسبات دیپلماتیک را نمایان می‌سازند. گزارش‌های منابع دوره صفوی و همچنین شناسایی هویت فرستنده و گیرنده نامه‌های دیپلماتیک بر مبنای الگوهای شماره ۲ و ۳ و مهمتر از همه الگوی شماره ۴ در مکاتیب مختلفه، از نقش کلیدی عنصر دیگری در مناسبات دیپلماتیک ایران در دوره صفوی حکایت دارد و آن مقام وزیراعظم است. گزارش کمپفر به‌خوبی گستره اختیارات این مقام سیاسی و دیوانی را نشان می‌دهد که به‌نظر می‌رسد حوزه مناسبات خارجی و مسائل دیپلماتیک هم از آن مستثنی نیست. او در این زمینه چنین می‌نویسد که: «شخص اول از بین بزرگان مملکت یعنی وزیراعظم است ... وزیراعظم را می‌توان محور اداره امور ایران دانست زیرا تمام کارها و حیات عمومی به دور وجود او جریان دارد ... وی قراردادهای اتحاد را می‌پذیرد و یا رد می‌کند ... در همه کار و همه چیز به موافقت وزیراعظم نیاز است و او با دیده باز ناظر جریانات و امور مملکتی است» (کمپفر، ۱۳۶۳: ۷۷-۷۶).

ج. دسته‌بندی نامه‌ها بر اساس زبان

فارسی زبان رایج دیپلماتیک منطقه‌ای

یکی دیگر از ویژگی‌های نامه‌های دیپلماتیک موجود در مکاتیب مختلفه که امکان طرح الگو در حوزه مناسبات دیپلماتیک ایران در دوره صفویه را فراهم می‌سازد، موضوع زبان نامه‌ها است. اگر همه اسناد و نامه‌های موجود در مکاتیب مختلفه (شامل اسناد متفرقه و نامه‌های دیپلماتیک) مورد ارزیابی قرار گیرد، سه زبان عربی، ترکی و فارسی قابلیت طرح دارند. تنها برخی از اسناد متفرقه‌ای که در مجموعه مکاتیب مختلفه گردآوری شده‌اند، به زبان عربی نوشته شده‌اند و هیچ‌کدام از نامه‌های دیپلماتیک موجود در این مجموعه، به زبان عربی نیستند.^۱ در بین ۱۴۹ نامه دیپلماتیک، حدود سی نامه که عمدتاً از طرف عثمانی به ایران ارسال شده‌اند، به زبان ترکی بوده و مابقی نامه‌ها به خصوص نامه‌هایی که از طرف دولت ایران در عصر صفویه برای عثمانی ارسال شده، به زبان فارسی نوشته شده‌اند (شکل شماره ۳). همچنین لازم به ذکر است که در مکاتیب مختلفه و در بین نامه‌های صفوی-عثمانی، نامه‌هایی دیده می‌شود که با وجود این که از قلمرو عثمانی به ایران ارسال شده‌اند، اما به زبان فارسی تحریر شده‌اند. برای نمونه، نامه سلطان ابراهیم پادشاه عثمانی به شاه عباس دوم را که در صفحات ابتدایی نسخه آمده، می‌توان از این دست شمرد (مکاتیب مختلفه، برگ ۳ ب - ۵ الف). توضیح اینکه نامه‌های ارسالی و دریافتی بین ایران و قلمرو گورکانی هند (۴۲ نامه)، نامه‌های ارسالی و دریافتی از قلمرو ازبکان (۱۱ نامه)، نامه‌های ارسالی به روسیه (۲ نامه)، نامه‌های ارسالی به خان خوارزم (۲ نامه) و همچنین نامه‌های ارسالی و دریافتی برای سلاطین دکن (۲ نامه) همه به زبان فارسی تحریر شده‌اند. رد و بدل شدن بخش بزرگی از نامه‌های دیپلماتیک ایران (حدود ۸۰ درصد) با قلمروهای سیاسی کوچک و بزرگ مجاور به زبان فارسی حاکی از این است که در دوره صفوی، زبان فارسی نقش حلقه ارتباطی در مناسبات منطقه‌ای ایران را ایفاء می‌کرد.

^۱ در ابتدای برخی از نامه‌های دیپلماتیک موجود در مکاتیب مختلفه، مقدمه‌ای به زبان عربی ذکر می‌شد و سپس متن اصلی نامه و مضمون آن به زبان فارسی ادامه پیدا می‌کرد؛ بنابراین نمی‌توان زبان اصلی این نامه‌ها را عربی قلمداد کرد. نامه شاه طهماسب اول صفوی به سلطان سلیمان پادشاه عثمانی از جمله این نامه‌هاست (مکاتیب مختلفه، برگ ۴۲ الف).



شکل شماره ۳. زبان نامه‌های دیپلماتیک موجود در مکاتیب مختلفه

نتیجه‌گیری

مکاتیب مختلفه یک اثر منشآت‌ی است که از دوره صفویه برجای مانده و نسخه خطی آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. این اثر که توسط محمدصالح، برادرزاده اسکندر بیک منشی در عصر فرمانروایی شاه عباس دوم تدوین شده، حاوی ۱۴۹ نامه دیپلماتیک است که در دوره صفویه بین دولت ایران با شش همسایه شرقی و غربی مبادله شده است. این شش همسایه به ترتیب از شرق به غرب شامل: گورکانیان در هند، سلاطین دکن، ازبکان در ماوراءالنهر، خان خوارزم، روسیه و عثمانی می‌شوند. محمدصالح که برای گردآوری این مجموعه از منابع مختلفی از جمله مجموعه‌های منشآت‌ی و متون مورخان عصر صفوی استفاده کرده، کوشیده است تا هر نامه را در دو قالب عنوان با شنگرف و متن نامه با جوهر مشکی کتابت کند.

ارزیابی نامه‌ها از منظرهای مختلف و همچنین دسته‌بندی آنها در قالب‌های گوناگون، الگوهایی را نمایان می‌سازد که بر مناسبات دیپلماتیک منطقه‌ای ایران عصر صفوی حاکم بوده است. این الگوها را می‌توان در سه دسته قلمروهای سیاسی مجاور، هویت فرستنده و گیرنده و همچنین زبان رایج دیپلماتیک تقسیم‌بندی کرد. دسته‌بندی نامه‌ها بر مبنای قلمروهای سیاسی مجاور، الگویی منطقه‌ای را نمایان می‌سازد که در آن صفویان با شش همسایه شرقی و غربی نامه‌های ارسالی یا ارسالی-دریافتی داشته‌اند. دسته‌بندی دوم نامه‌ها بر مبنای هویت فرستنده و گیرنده است و چهار الگوی تبادل نامه را می‌توان از آن استخراج کرد که بر اساس آن، ضمن اهمیت نهاد پادشاه برای امر تبادل نامه، صاحب‌منصبان سیاسی

و حتی مذهبی نیز در سیاست خارجی ایران در دوره صفوی نقش داشته‌اند. دسته‌بندی سوم نامه‌ها بر اساس زبان، الگویی را مبنی بر وجود یک زبان رایج دیپلماتیک نمایان می‌سازد که آن زبان، فارسی است که در نقش حلقه‌ای ارتباطی بین صفویان با همسایگان‌شان عمل می‌کرد.

منابع و مأخذ

- استنفورد، مایکل، ۱۴۰۰، *درآمدی بر فلسفه تاریخ*، ترجمه: احمد گل محمدی، تهران: نشر نی.
- افشار، ایرج، ۱۳۵۷، "بیاضی از مکاتیب عصر صفوی"، *فرهنگ ایران زمین*، شماره ۲۳، صص ۳۳۶-۱۷۹.
- _____، ۱۳۸۷، "بیاضی صفوی: آداب نامه‌نگاری پادشاهان صفوی به سران سرزمین‌های مجاور"، *نامه بهارستان*، شماره ۱۳ و ۱۴، صص ۷۴-۲۳.
- افوشته‌ای‌نطنزی، محمود بن هدایت‌الله، ۱۳۹۹، *نقاوه‌الآثار فی ذکر الاخبار*، به تصحیح: احسان اشراقی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ترکمان، اسکندر بیک، *نسخه خطی تاریخ عالم‌آرای عباسی*، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۴۴۷۴.
- تیموری، کاوه، ۱۳۹۸، "چلیپانویسی"، *رشد آموزش هنر*، دوره هفدهم، شماره ۱، صص ۶۲-۴۹.
- جمعی از کاتبان و نویسندگان دوره صفوی، ۱۴۰۰، *منشآت و مکاتیب عصر صفوی*، به تصحیح: غلامحسین محرابی، تهران: میراث فرهیختگان.
- جنابدی، میرزا بیگ، ۱۳۷۸، *روضه‌الصفویه*، به تصحیح: غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- چلونگر، محمدعلی و زهرا سادات کشاورز، ۱۴۰۰، "نقش ابزارهای سیاست خارجی در فرایند تمدنی دولت صفویه با تأکید بر ابزار دیپلماسی"، *فصلنامه سیاست*، دوره ۱۵، شماره ۲، صص ۴۳۴-۴۰۹.
- حاجیان‌پور، حمید و رضا دریکوندی، ۱۳۹۸، "واکاوی رویکرد منابع عصر صفوی در روابط خارجی"، *فصلنامه تاریخ روابط خارجی*، سال بیستم، شماره ۸۰، صص ۲۴-۱.
- خواجگی‌اصفهانی، محمد بن معصوم، ۱۳۶۸، *خلاصه‌السیر*، زیرنظر: ایرج افشار، تهران: علمی.
- درایتی، مصطفی، ۱۳۹۲، *فهرست نسخه‌های خطی ایران (فنخا)*، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- رازنهان، محمدحسن، ۱۳۸۰، "نقد و بررسی کتاب تاریخ عالم‌آرای عباسی در نگاهی به چاپ جدید آن"، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، شماره ۵۳، صص ۴۲-۴۰.
- رمضانی، روح‌الله، ۱۴۰۰، *تاریخ سیاست خارجی ایران از صفویه تا پایان پهلوی*، ترجمه: روح‌الله اسلامی و زینب پزشکیان، تهران: نشر نی.
- روملو، حسن، ۱۳۸۴، *احسن‌التواریخ*، به تصحیح: عبدالحسین نوایی، تهران: اساطیر.
- ریاض‌الاسلام، ۱۳۷۳، *تاریخ روابط ایران و هند در دوره صفویه و افشاریه*، ترجمه: محمدباقر آرام و عباسقلی غفاری‌فرد، تهران: امیرکبیر.

سانسون، ۱۳۴۶، *سفرنامه سانسون: وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی*، ترجمه: تقی تفضلی، تهران: ابن سینا.

سبزواری، محمدباقر، ۱۳۷۷، *روضه‌الانوار عباسی*، به تصحیح اسماعیل چنگیزی اردهایی، تهران: میراث مکتوب. ستوده، منوچهر و ایرج افشار (گردآورنده)، ۱۳۸۳، *اسناد پادریان کرملی بازمانده از عصر شاه عباس اول*، ۱۳۸۳، تهران: میراث مکتوب.

شاملو، ولی قلی خان، ۱۴۰۰، *قصص‌الخاقانی*، به تصحیح: سید سعید میرمحمدصادق، تهران: انتشارات سروش با همکاری انتشارات نگارستان اندیشه.

شفیعون، سعید و مهسا رضایی، ۱۳۹۶، "جریان‌شناسی نثر ادبی در دوره صفوی با تکیه بر آثار نصیری همدانی"، *جستارهای نوین ادبی*، شماره ۱۹۶، صص ۵۳ - ۲۳.

صفت‌گل، منصور، ۱۴۰۰، "الگوی نوین سیاست خارجی ایران در آستانه دوره تجدد آغازین: نظم تازه منطقه‌ای صفوی و نظام جهانی"، *مجموعه مقالات سومین کنفرانس تاریخ روابط خارجی ایران: ایران و مناطق پیرامونی*، به کوشش: سید محمدکاظم سجادیپور، تهران: وزارت امور خارجه، صص ۷۵ - ۶۱.

غفاری‌فرد، عباسقلی، ۱۳۷۶، *روابط صفویه و ازبکان*، تهران: وزارت امور خارجه.

فلسفی، نصرالله، ۱۳۱۶، *تاریخ روابط ایران و اروپا در دوره صفویه*، تهران: چاپخانه ایران.

فلور، ویلم، ۱۳۸۴، "تاریخچه وزارت امور خارجه در ایران"، *تاریخ روابط خارجی*، شماره‌های ۲۴ و ۲۵، صص ۱۰۲ - ۸۹.

قمی، قاضی احمد، ۱۳۸۳، *خلاصه‌التواریخ*، به تصحیح: احسان اشراقی، تهران: دانشگاه تهران.

کمپفر، انگلبرت، ۱۳۵۰، *در دربار شاهنشاه ایران*، ترجمه: کیکاووس جهاننداری، تهران: انجمن آثار ملی.

متولی، عبدالله، ۱۳۹۷، *مبانی، چارچوب‌ها و الگوهای سفارتی و مکاتباتی در ایران عصر صفوی*، اراک: انتشارات دانشگاه اراک.

محمدریغ بن ابراهیم، ۱۳۵۶، *سفینه سلیمانی: سفرنامه سفیر ایران به سیام*، به تصحیح: عباس فاروقی، تهران: دانشگاه تهران.

محمدصالح، *نسخه خطی مکاتیب مختلفه، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی*، شماره ۳۳۴۹.

مؤلف ناشناس، ۱۴۰۰، *جهانگشای خاقان*، به تصحیح: نعمت احمدی و نیلوفر جفرودی، با دیباچه رضا شعبانی، تهران: تاریخ ایران.

نسخه خطی منشآت، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره ۵۰۳۲.

نصرآبادی اصفهانی، محمدطاهر، ۱۳۱۷، *تذکره نصرآبادی*، تهران: چاپخانه ارمغان.

نصیری، محمدابراهیم، ۱۳۷۳، *دستور شهریاران*، به تصحیح: محمدنادر نصیری مقدم، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.

نوابی، عبدالحسین، ۱۳۵۰، *شاه طهماسب صفوی: مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفضیلی*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

وحیدقزوینی، محمدطاهر، ۱۳۸۳، *تاریخ جهان‌آرای عباسی*، به تصحیح: سید سعید میر محمدصادق، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

همدانی، نصیرا، *نسخه خطی نامه‌ها و منشآت، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی*، شماره ۱۱۲۲/۱۹. هوشنگ‌مهدوی، عبدالرضا، ۱۳۹۶، *تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوره صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم*، تهران: امیرکبیر.